

حدیث عنده به خاطر شکایت سیاحیان مین از حضرت علی (ع) صادر

شده است و در لایحه مبرور من مولا علی (ع) یا افراد شاخ دارد و لایحه

سوی دیگر می گویند: از اساس مولا علی (ع) از مین به سوی مکه پیامده است!

پانچ اجائی: اعتراض برخی صحابه به تقسیم غنائم مین کوشش از حد و نشان

کتابت نیز می باشد، مربوط به سال ۱ هجری و قبل از حجه الوداع می باشد.

در «تاریخ پیامبر (ص)» فضائل امام علی (ع) و امامت ایشان بعد از خود

و مطرح کردند. اما، ماجرا عذر بعد از حجه الوداع بود در طبرستان ماجرا

ندارد. چه سألر از خیزش جانشین پیامبر (ص) آنقدر اهمیت دارد که

در ۹۷ سوره مائده آیه ۴۱ آمده تا کعبه در باره آیه نازل شود و پیامبر (ص)

عزله از خیزش در صحرای مدینه عذر رفتند و در خطبه طولانی فرمودند

و تا کعبه نرسد به غائبیم. هم این خبر را برسانید!

پانچ تفصیل

اهل سنت و قهر از حدت شدند و آنقدر ماجرا عذر
لا زیر سوال می برند، نمی گویانند محوای آنها



انظار و توجیه و ماحرا را طوری بیان کنند که به انتخاب امام علم (ع) به عنوان
 جانشین منجر نشود. بلکه لازمی جهت برابری این ماحرا بیان می کنند
 بحث رفع کدورت سپاه من از مولای (ع) می باشد. **توضیح مهم برای**
 این ماحرا مرد هستند این است که: قبل از مراسم حج مولای (ع)
 که سرپرست کارخان جمع آوری صدقات و خراج اهل بلخ بود در نزدیکی
 عمه سرپرست کارخان بود. **بزرگواران خود سیر و تنها خود را**
پیامبر (ص) رساند پس از ملاقات پیامبر، وقتی به سوی کارخان بازگشت،
 دید کارخان بابای که در اموال به صورت سینه شده بود باز کرده و بر
 تنش کرده اند.

امیر المؤمنین (ع) بانا و عمر با سیرا او پس حرفت و به صورت قبل در سینه ها
 قرار داد. این کار موجب نارضایتی و عشم عده ای شد، به صورتی که وقت
 به محضر پیامبر (ص) رسیدند، شروع به بدگویی و شکایت از مولای (ع)
 کردند. اما پیامبر (ص)، کارخان کو را از بدگویی در باره علم (ع) به شدت نهی کرد.

و به آن گفت: علی (ع) در کار خدا شکی نیست، پس او را سرزنش نکنید

در برخی نقل‌ها آمده است که پیامبر (ص) فرمودند:

«ما تریدون من علی بن ابی طالب عتبا صبی و انا منه و هو ولی کل مؤمن و

مؤمن من بعدی» از علی (ع) چه می‌خواهید؟ علی از من است و من از

علی هستم و او در امر تمام مؤمنان بعد از من است.

اینکه پیامبر (ص) در جریان اعتراض برخی صحابه به تقسیم عتاق مکه، امام

علی (ع) را به عنوان ولی امر تمام مؤمنان بعد از خود معرفی کرده است و اعتراض

آنها لایق صورت داشته است، شکر در این نسبت است. اما این جریان،

قبل از سفر پیامبر (ص) به مکه و حجة الوداع بوده و هیچ ربطی به جریان

عذر که بعد از حجة الوداع رخ داده، ندارد. ضمن اینکه ادعای شکر کننده

با مبانی اهل سنت که به اعتقاد به عدالت صحابه دارند، منافات ندارد.

زیرا اصطلاح حریم این است که سب بر ملا شدن بعضی صحابه نظیر حد

و کینه بعضی اصحاب نسبت به امیر المؤمنین (ع) و تقاضای آن‌ها از سواد



و از سوی دیگر دلالت بر قدر و منزلت امیر المؤمنین (ع) نیز بسیار (ص) دلربا
 به طوری که ایشان حتی اجازه نماندند کلام معترضین را نخوانند و از
 مقام حضرت دفاع کرده و فضائل ایشان را بیان می کنند و تصریح به امامت
 ایشان بعد از خود می کنند.

اما به صند دلیل ما برای تقسیم عتائم بمنح، ربط به ما جرایع غدیر ندارد:

(۱) ما جرایع تقسیم عتائم، مربوط به سال هشتم بعد از هجرت بود:

اولاد اهل سنت، درباره جریان سفر امام علی (ع) بمنح، بسیار مضطرب

می باشند؛ به طوری که هم در مورد تاریخ این سفر، اختلاف دارند، هم

در علت اعتراض مهاجر به تقسیم عتائم.

طبق آنچه زینب دحلان معترضه می گوید: حضرت حداقل دو مرتبه بمنح

اعزام شدند: یکی سال هشتم هجری بوده -
 دومی سال دهم هجری بوده که به سمت قبایل مدح
 رفتند و باستان و سغریا بمنح تقسیم عتائم ندارند.

پس ما جرایع تقسیم عتائم، مربوط به سال هشتم و بعد از فتح مکه می باشد



که ابتدا، خالد بن ولید و سپس ولاد علی (ع) به سمت عین رفتند و آنجا

لافتح کرده و عتات فرهم به دست آوردند.

در مورد اعتراض صحابه هم برخی، همانطور که در بالا نقل شد، علت هم بود که در

و پوشیدنی لباس‌هایی که به غنیمت برده بودند، ذکر کرده‌اند.

برخی هم آن را مربوط به تقسیم کشتی‌ها و تصرف کشتی‌ها توسط

امام علی (ع) و عسل به خاطر او دانسته‌اند.

این در حالی است که علاوه بر وجود اضطرار، در نقل صحیح داستان‌هایی

با سایر روایات نیز، تفاوتی ندارد و از نظر سند، تا زمانی که حضرت

زهر (س) زنده بودند، امام علی (ع)، با هیچ زنی همبستر نشدند.

به عنوان مثال در روایتی از امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«حُرِّمَ اللَّهُ النَّأءَ عَلِيَّ عَلِيٍّ فَأَدَامَتْ فَاطِمَةُ حَسْبَهُ»

تا زمانی که فاطمه (س) زنده بود، خداوند زنان را بر علی (ع) حرام کرده بود.



(۲) اعتراض بر فرمای تقسیم عتائیم و در کجوی بیابان سیر (ص) قطعاً مثل لایز

ع- الوداع بود:

حضرت طاسان تقسیم عتائیم در سال دهم رخ داده باشد، قطعاً مثل
 از حرکت بیابان (ص) از مدینه به سمت مکه و حج- الوداع بوده است و
 ماجرای عزیزم، هیچ ربطی به آن ندارند، زیرا طبق تصریح خود اهل سنت
 کسانی که از اصحاب المؤمنین در آنجا می‌بودند و شکایت از اسیر المؤمنین
 داشتند، مدینه آمدند و در مسجد بنی معزم، شکایت‌ها را از صلا علی (ع)
 (علاستند) مطرح کردند و بیابان (ص) سفارش به رفع کدورت از علی (ع) کردند.
 طبرانی در کتاب معجم اوسط بعد از آنکه گفتنایا و مطرح می‌کنند،
 می‌نویسد که فرمودید: «خالد بن مسعود را که به مدینه آورد و به
 پیغمبر (ص) خبر داده در راه با او خبر که علی (ع) انجام داده است.
 می‌نویسد که فرمودید: مسعود مدینه را داخل مسجد النبی شدم و تعدادی از
 صحابه هم دم در مسجد نشسته بودند، بیابان (ص) در منزل خود بود

وقت زنی را دلیل زودتر فرود آمدن مرا میدهند، شروع به بدبوی لوز معلا علی رع امر اندو
گفتند: ما چرا رویه بیامیدیم؟ یا علی لوز حشم او بیفتد! بیامیدیم ملام آری
و مرشد غضبناک لوز خانه بیرون آمد و فرمود:

مردم! چرا از علی رع بدگویی میکنید؟! *

هر کس بر علی رع ایراد بگیرد، بر من ایراد گرفت است در عین لوز
علی رع، جدا شود، لوز سخ جدا شده است، بی شک، علی لوز سرشت
سخ است و سخ لوز سرشت ابراهیم حشم و ...

حقیقت در دیگران نیز اینجایان لوز قبل از حرکت بیامیدیم و در
حدیث ذکر کرده اند و حدیث غدیر هم مربوط به بعد از حجة الوداع و در باره
ولایت ایشان بیان کرده اند.

در سنی، صحاح مستدقان سنی، هیچ دلالی نقلی تا رخن در مورد
اینکه علت حدیث غدیر، طحانیت بعضی لوز صحابه بود است ندارند،
بلکه صرفاً مستند به حدیث دنان است.



۳) قرآن ۹۷ - سوره مائده با آیه تاکید فرمودن در باره جریان غدیر و

خواندن خطبه طلانی در حواصی حرم و سوره ان عندی و کلمه بیامیرین

حزب از احمیت فوق العاده ما حرار لرد نه فقط یک رکوبی ساره.

در آیه ۹۷ - سوره مائده خوانیم:

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا

بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ

يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ »

ای پیامبر! آنچه از حواف پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل

کامل [به مردم] ابلاغ کن و اگر چیزی نماند، رسالت او را انجام ندهی.

خداوند تو را از [حقارت اصحاب] مردم، حفظ می کند، و خداوند گروه

کافران [کج] را هدایت نمی کند.

ایح و دیگر اسامی تا سید مختلف شمع و سفری در باره امام علی (ع) و ماجرا

غدیر نازل شده است، با خطاب (ای پیامبر) شروع شده و با امر است و



تأکید رسوا می رسد و نیز لازم است بر طرف پروردگارت مبرون نازل شده است

به مردم برسان پس بر آن تأکید بیشتر به او، احظار هر کس که امر

لذات را بخار خود داری کن (که حرف خود داری نیز کرد) رسالت خدا را تبلیغ نکرده ای!

پس پیامبر (ص) که تو را از واقعه خاصی اضطرار و نگرانی داشت به دلاری

و تأسی می رسد و به او می گوید: «لذات مردم در ادای این رسالت و حق نداشتند

باشی، زیرا خداوند تو را از حیوانات که تنها نگاه خواحد داشت.»

و در پایان قرآنی به عنوان یک لایحه و مجازات به آن خاسته که این رسالت

مخصوص و انکاره است و در برابر او، از روی اجابت نفر بورزند،

می گوید: «خداوند کافران کجج بوحده است نمی کند.»

حمله بندی خاص و یک خاص و تأکید حال وی در این و همچنین شروع شدن

با خطاب «یا ایها الرسول» که تنها در دو مورد از قرآن مجید آمده و تأکید

پیامبر (ص) به عدم تبلیغ رسالت در صورت کوتاهی کردن که محضاً در این

قرآنی از قرآن آمده است، نشان می رسد که سخن از حادثه ای در رسالت بود



عدم تبلیغ آن صادر بوده است با عدم تبلیغ رسالت.

لکن این سوال پیش می آید که با توجه به تاریخ نزول سوره که مسلماً

در اواخر عمر پیغمبر (ص) نازل شده است، چه مطلب محسوس بوده که

خداوند پیامبر (ص) را با این تاکید، مأمور ابلاغ آتش کردند.

پس در ماه محرم دره فرخ ماه عمار عمر پیامبر (ص) مطرح بوده که

آیه فوق، این صیغ در باره آتش تاکید می کنند؟

چه چیز محسوس بوده است که پیامبر (ص) دره فرخ عمار قرآنی را در این غزوه

عده ی زیاد از صحابه را در آن گرفتند و خطبه حوالانی فرات کردند

و تاکید می کنند، که حاضران در آن شاهد ماجرا غزوه بودند این

حدیث بود: **عائشان برسانند: لا اقل تبلیغ الشاهد الغائب** ۱۲!

این آیه از جنس جانشین بر پیامبر (ص) و سر نوشت آینده اسلام و

مسئله می تواند و لابد این صفات بوده باشد **۱۱۱۶۶۶!!!**



- (۱) البدایة والنہایة، ابن کثیر الدمشقی
- (۲) المعجم الکبیر، الطبری، سلیمان بن احمد بن ابی الوفاء
- (۳) الراغب، شرف الدین، سعید بن عبد الرحمن، محقق
- (۴) مناقب آل ابی طالب (ج ۱)، ابن شهر آشوب، مازندرانی
- (۵) المعجم الاوسط، الطبری، ابوالقاسم سلیمان بن احمد
- (۶) مجمع الزوائد و منبع الفوائد، الحسینی، نور الدین علی بن ابی شیبہ
- (۷) تفسیر نمونه، حکیم سیرازی، ناصر
- (۸) العزیر فی التکاب و السنة و الارب، الالمینی

« بِإِقْبَالِ أَطْلَاعِ بَرَسَانِي حُوزَةِ »

